



پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶ - ۱ / فروردین / ۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

یا مقلب القلوب والابصار. یا مدبراللیل واللہار. یا محوّل الحول والاحوال. حوّل حالنا الى احسن الحال (۱)

عید نوروز امسال، با یک عید بزرگ و گرامی دیگر مصادف است که عبارت از ولادت با سعادت حضرت ثامن‌الائمه علیه الصلاة والسلام است. مردم شریف ایران به خاطر قرب جوار، نسبت به این بزرگوار تعلق خاطر مخصوصی دارند و شیعیان همه عالم، بلکه همه مسلمین عالم، از این جهت بر مردم ایران غبطه می‌برند و ایران - بخصوص مشهد مقدس - را قبله آمال خود قرار می‌دهند.

هر دو عید بزرگ را - هم عید نوروز که عید تازگی و طراوت و شادی زمین و زمان است وهم این ولادت بزرگ که عید مذهبی و دینی و اخلاقی و معنوی و عید تاریخی است - به همه ملت شریف و عزیزان و به ایرانیانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند؛ مخصوصاً به خانواده‌های معظiem شهیدان عالیقدار و به جانبازان عزیز و آزادگان و مفقودان و خانواده‌های آنها - که امیدواریم ان شاء الله. از مفقودان عزیز ما هم هر چه زودتر خبری به خانواده‌های آنها برسد تبریک عرض می‌کنم. همچنین عید نوروز را به ملتهای دیگری که برای این عید و آغاز بهار، اهمیتی قائل هستند و آن را عید می‌شمارند - مثل کشورهای آسیای میانه و بعضی کشورهای دیگر - تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم این سال جدید که با چنین روزی آغاز می‌شود، برای ملت ما سال مبارک و به معنای حقیقی کلمه سال نیکی باشد. البته مبارکی یک سال برای یک ملت، فقط به جنبه‌های مادی آن سال نیست؛ گاهی جنبه‌های معنوی اهمیت بیشتری دارند. اگر ملتی بتواند یک تحول اخلاقی در خود به وجود آورد؛ اگر بتواند رذایل اخلاقی را از درون خود پاکسازی کند و خود را به فضایل اخلاقی آراسته سازد، حقیقتاً برای آن ملت عید است. شاید اساساً قرار دادن اعیاد - چه اعیاد ملی و چه اعیاد دینی و مذهبی - برای ایجاد چنین تحولاتی در درون انسانهاست.

خوشبختانه در این سالهای اخیر، ملت ما از لحاظ معنوی، پیشرفت‌های زیادی کرده‌اند. اقبال به معنویات، اقبال به دین و عبادت، توجه به ذکر و حضور و خشوع و به نماز و روزه و به طاعت حق و تقریب به پروردگار در بین ملت ما؛ بخصوص جوانانمان رایج و شایع شده است؛ ولی تحول اخلاقی، فقط این نیست. شاید بشود گفت که تحول اخلاقی برای ملت، دشوارتر هم هست و به همین جهت، در باب تحول اخلاقی هم مخاطب اوّل و مسؤول اوّل جوانان هستند که برای آنها همه کارها آسانتر و راحت‌تر است. دلهای جوانان، نورانی است و فطرت‌های آنان، سالم و دست نخورده است. آلدگی آنان به زخارف و آلودگی‌های دنیا؛ به بندهای گرانی که پولدوستی و مالدوستی و جاهطلبی و قدرت طلبی و این چیزها بر پای انسان می‌زند، خیلی کمتر است؛ لذا تحول اخلاقی در جوانان آسانتر است. البته میانسالها، بلکه کمسالها هم نباید از امکان تحول اخلاقی در خودشان مأیوس باشند. تحول اخلاقی، یعنی این که انسان هر رذیلت اخلاقی را - هر اخلاق رشت، هر روحیه بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است - کنار بگذارد و خویشتن را به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، آراسته کند. در جامعه‌ای که حقد و بدالی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب با دیگران و خدنه در کار دیگران به کار نبرند؛ اگر کسانی دارای سواد و معلوماتند، آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم به

کار نبرند؛ بلکه همه افراد انسان در یک جامعه، نسبت به یکدیگر خیرخواه باشند، به هم کینه نورزند، به هم حقد و حسد نداشته باشند، به بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواهند. این تحول اخلاقی است و حدائق قصیه است.

در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنای بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر حلقیات اسلامی - همان چیزهایی که در اسلام برای یک انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است (۲) - رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت و پاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهییدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است.

ملت ما به برکت اسلام، به برکت سنن کهن خود و به برکت فضایل اخلاقی که در او وجود دارد، بحمدالله مقداری از این پریشانی جهانی بر کنار مانده است و غالب ملتهای مسلمان نیز به برکت اسلام، امتیازاتی را دارند. البته این به معنای آن نیست که ما کمال اخلاقی داریم؛ نه. نقصهای زیادی در ما هست، کمبودهای زیادی در ما وجود دارد که باید این کمبودها را جبران و برطرف کنیم. تنبلی، نومیدی، بی‌حوصلگی، بهانه‌جویی نسبت به انسانهای دیگر و همان خصال ناپسندی را که قبل اشاره کردم، هر کدام در ما هست، باید دور ببریم. این، یک مبارزه و مجاهدت است.

جوان، به طور طبیعی اهل هماورد طلبی است. بسیار خوب؛ هماورد مورد علاقه ما که می‌خواهیم جوانان با آن دست و پنجه نرم کنند، نفس امّاره است که انسان را به پستیها و زشتیها دعوت می‌کند و او را از عروج و تکامل باز می‌دارد. جوانان باید در مقابل شهوت و هوشهایشان و در مقابل همه انگیزه‌هایی که آنان را به چنین رذایلی فرا می‌خواند، مقاومت کنند. جوانان در درجه اول قرار دارند و غیر جوانان نیز همین طورند. بر همه واجب است، بر امثال من هم واجب است؛ بلکه بیش از دیگران واجب است کسانی که مسؤولند؛ کسانی که مأموریت بزرگی را بر عهده گرفته‌اند و کسانی که تصمیم و اقدام و حرکت و رفتار آنان، فقط رفتار یک شخص نیست؛ بلکه رفتار یک مجموعه است، رفتار یک جامعه است و گاهی در چشم دیگران، رفتار یک کشور است، باید خیلی مراقبت کنند. آنان بیش از دیگران مخاطب به خطاب الهی‌اند و موظف به این هستند که دعای شریف «حول حالنا الى احسن الحال» را در خودشان تحقق بخشنند.

عزیزان من؛ ملت شریف ایران! درست است که تحول را در حقیقت خدا به وجود می‌آورد و لذا در این دعا ما از خدا می‌خواهیم که «حول حالنا الى احسن الحال»؛ یعنی حال ما را به بهترین حالها تبدیل کند؛ اما در همه دعاها این طور است که از سوی انسان، تلاش و حرکت و همت لازم است. همه باید در اقدام، در عمل و در خوب کردن خود، همت بگمارند. در زمینه مسائل اجتماعی نیز همین طور است. امروز دوران ما، دوران بنای نوین کشور اسلامی ماست. ما باید از نو ایران را بسازیم؛ به همان شکلی که شایسته ملت بزرگ ایران است؛ به همان شکلی که اسلام از ما خواسته است که ما خانه و کشور و جامعه خود را بسازیم؛ به طوری که ویرانیهای وارد شده بر آن - ویرانیهای جنگ، ویرانیهای دوران ستمشاهی و دوران تسلط حاکمان و زمامداران فاسد و مفسد و وابسته - برطرف شود. ویرانیهای کشور را ما باید بسازیم. ما باید کشورمان را از نو بنا کنیم؛ اما بنای ایران، فقط به معنای ترمیم ویرانیها

نیست؛ بلکه باید همه چیز را که خدای متعال در این کشور به ودیعه گذاشته است، احیا کنیم و در اختیار نسل کنونی و نسل آینده قرار دهیم. منابع طبیعی، منابع انسانی، امکانات اجتماعی، طبیعت نیکویی که در اختیار ماست، میراث عظیمی که گذشتگانمان در اختیار ما گذاشته‌اند و خیلی از امکانات دیگری که هست را، باید احیا کنیم و در واقع نعم الهی را استخراج نماییم. امید که سال جدید، برای این گونه کارها سال مبارکی باشد.

در اوایل امسال، مسأله مهمی در مقابل مردم ماست که آن، مسأله انتخابات ریاست جمهوری است. من از همه ملت ایران تقاضا می‌کنم که با روشن‌بینی و هوشمندی و تیزبینی خود به این مسأله به صورت یک مسأله ملی و تاریخی نگاه کنند و آن را دست کم نگیرند. البته در شروع انتخابات، بخصوص در تبلیغات، هر کسی و هر جمعیتی گزینه‌ای دارند؛ کسی را می‌خواهند انتخاب کنند و او را بر دیگران ترجیح می‌دهند. این جا، جای خطرناکی است و میدانی است برای این که خدای نکرده صفات بد در انسان بروز پیدا کند. این، خطری در راه انتخابات است که یک تجربه بزرگ محسوب می‌شود. همه با همت؛ اما با حسن خلق و روشن‌بینی و امید و روی خوش و دل خوش با این قضیه مواجه شوند؛ آرای زیادی را در صندوقها بریزند و رئیس جمهور را با رأی بالایی ان شاء الله انتخاب کنند تا دولت و رئیس جمهور آینده، دستشان باز باشد و بتوانند با پشتونه عظیم آرای ملت، کشور را بسازند و دیگرانی که در بیرون از مرزها همیشه منتظرند تا نقص کوچکی در ملت ما ببینند و آن را چند برابر بزرگ کنند، آنها هم از این که بتوانند این کار را انجام دهند، مأیوس شوند.

من امسال می‌خواهم مثل سالهای قبل، به همه مردم یک سفارش بکنم. بحمد الله سفارش‌هایی که شده، مورد توجه قرار گرفته است. هم مردم توجه کرده‌اند و هم مسؤولان، و من توقعم از هر دو است؛ هم از مردم و هم از مسؤولان. من می‌خواهم به مردم عزیزمان عرض کنم که امسال همه سعی کنند اسراف را کنار بگذارند. متأسفانه در زندگی‌های ما اسراف وجود دارد. اسراف یعنی تضییع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی. البته بیشتر، مخاطب ما در این سخن، افراد متمکنند. افرادی که تهییت‌سازی متوسطند، به نظر می‌رسد که کمتر اسراف می‌کنند؛ اگر چه در بین آنها هم بعضی اسراف هست. کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می‌آید؛ مثل اسراف در مصرف بی‌رویه آب، ضروری است. امسال قدری بارندگی کمتر بوده است که اقتضا می‌کند صرفه‌جویی بیشتری بشود. البته بحمد الله آینده بدی در انتظار ما نیست. همه چیز بحمد الله و به فضل الله، برطبق مصلحت ملت ایران پیش خواهد رفت؛ لیکن ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می‌طلبد، تنظیم کیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضییع نعمت خداست.

در آمارها می‌خوانیم و همه شما هم حتماً اطلاع دارید که بخش عظیمی از این گندمی که با این همه زحمت و مراجعت دهقان و کشاورز ایرانی به وجود می‌آید و خریداری می‌گردد و بعد آرد می‌شود و از آن نان تهییه می‌گردد، متأسفانه دور ریخته می‌شود. من نمی‌خواهم درصد معین کنم؛ اما مسؤولان رقمهای خیلی بالا و وحشت‌آوری از مقدار نانی که مثلاً دور ریخته می‌شود، ذکر می‌کنند.

این فقط یک مثال است؛ اما در همه امور ما باید به صرفه‌جویی عادت کنیم. صرفه‌جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست. به نظر من باید مسؤولان

کشور، راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند. من به صورت کلی این را عرض می‌کنم. خود مسؤولان دولتی هم نباید اسراف کنند. اسراف مسؤولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضرتر است؛ زیرا که این اسراف در بیت‌المال است. بنابراین مسؤولان، فهرستی از مثالهای صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف را ردیف کنند و آن را به مردم بگویند و تعلیم دهند که چگونه می‌شود صرفه‌جویی کرد.

سالی که گذراندیم، سالی پرکار و پرتلاش و سال عزّت هم برای ملت و هم برای دولت بود. علی‌رغم این که در سال گذشته، همه دستگاههای استکبار و همه بوقهای تبلیغاتی، علیه ملت ایران تبلیغات و تهدیدها کردند؛ حرفها زدند و خوابهای آشفته‌ای را که دیده بودند، برای ملت ایران بر زبان آوردند، بحمدالله با قوت و ایستادگی و حضور شما و با راهپیماییهای عظیمان در ماه رمضان و بیست و دوم بهمن و در مراسم گوناگون دیگر و حمایت شما از نظام و مسؤولان، همه این نقشه‌ها خنثی شد. حضور ملت، معجزه‌گر است و آثار آن، معجزه‌آساست و حقیقتاً تأثیرات مثبتی می‌بخشد.

سال پرتلاش و پرکاری بود. در میدان سازندگی‌کار دارای پیشرفت بود. برای ملت هم کار پرچجمی وجود داشت. برای مسؤولان هم همین‌طور. بحمدالله سال خوبی بود؛ سال پیشرفتهای بزرگ، سال عزّت بین‌المللی، سال امید مردم، سال اتحاد و همبستگی مردم که در این اجتماعات عظیمشان پیدا شد. امیدواریم امسال هم از این جهاتی که گفته شد، مثل سال گذشته باشد؛ بلکه پیشرفتهایی هم داشته باشیم.

در سال گذشته متأسفانه حادثه زلزله را داشتیم که نه فقط برای مناطق زلزله‌زده - مثل اردبیل و بجنورد - بلکه برای همه ملت ایران که دردهای هم‌میهنانشان و دردهای مسلمانان برای آنها مایه آزار و ناراحتی است، تلخ بود. من امیدورام که خدای متعال برای این بخش از کشور ما که دچار آفت زلزله شد، خیر اراده فرموده باشد و به ساکنان آن خیر بدهد. می‌خواهم از ملت عزیzman خواهش کنم، همان‌طور که تا بحال بحمدالله در راه کمک به زلزله‌زدگان و آسیب‌دیدگان خوب عمل کرده‌اند، باز هم این کمکها را ادامه دهند. این، همدردی است و لازم است. امیدواریم خداوند متعال، روح مقدس امام عزیز و بزرگوار راحل عظیم‌الشان ما را که این راه و این درسها را به ما تعلیم داد، شاد فرماید و درجات آن بزرگوار را در اعلیٰ علیین با اولیاء خودش قرار دهد.

من مجدها همه شما ملت عزیز را به خدا می‌سپارم و برای همه‌تان شادی و بهروزی و خوشبختی و پیشرفت در همه کارها را - چه مادی و چه معنوی - از خدای بزرگ مسائلت می‌کنم.

والسلام عليکم و رحمة الله و بركاته

1) زادالمعاد، ص 531

2) تحف العقول، ص 401